در پرتو وحی

بهترین‌های امت
آمران به معروف و ناهیان از منکرند

«شما (مسلمانان) بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار (و برگزیده) شده‌اید (و دلیل بهتر بودنتان این است که یکدیگر را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنید و از بدی‌ها و زشتی‌ها جلوگیری می‌کنید، و به خداوند ایمان می‌آورید، و اگر اهل‌کتاب (یهود و نصاری هم به چنین برنامه‌ها و آیین درخشانی) ایمان آورده بودند، هر آینه برایشان بهتر بود. البته عده کمی از آنها (اهل کتاب) با ایمانند (و تحت فرمان خدا هستند) ولی بیشترشان فاسقان بدکار (و از فرمان و اطاعت پروردگار خارج) می‌باشند.»

آل عمران- ۱۱۰

سالگرد شهادت دکتر مصطفی چمران

در لبنان و کردستان و خوزستان با اسرائیل جنگید

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

وقتی در مردادماه ۱۳۵۸، دسته‌جات وسیع گروه‌های ضدانقلاب در کردستان برخی شهرها را محاصره و اشغال و غارت و حتی قتل‌عام کرده بودند، دکتر مصطفی چمران که قبلاً از سوی دولت موقت انقلاب، مأمور به مذاکره و حل‌وفصل غائله شده و بر این باور بود که مسائل با مذاکره قابل حل است و حتی روزها با سران کرد مذاکره کرد و حتی به توافقاتی هم دست یافت، متوجه شد که سرنخ آشوب‌ها و شورش‌ها در دست گروهک‌هایی است که حاصل کار ده‌ساله صهیونیست‌ها و نفوذ سیاسی و نظامی‌شان در آن منطقه به‌شمار می‌آیند.

بنابر اسناد ساواک، سرویس جاسوسی اسرائیل(موساد) براساس پیمان‌های خود با شاه تحت عناوین «کریستال» و «تیزه سه‌سر»، طی سال‌های دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰، پایگاه‌های متعددی را در کردستان ایران و عراق برپا ساخت، نقشه‌های دور و درازی برای این منطقه مهم داشت و قرار نبود با مسالمت و مذاکره از میدان به در رود.

با کوله‌باری از تجربه مبارزه با اسرائیل

دکتر چمران رژیم صهیونیستی را به خوبی می‌شناخت و سال‌ها مبارزه با اسرائیل را با همه وجودش تجربه کرده بود. او در مصر دوران جمال عبدالناصر، اولین پایگاه‌های آموزش مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل را ایجاد کرد و ضمن آموزش به جوانان مسلمان، خود نیز سخت‌ترین دوره‌های چریکی را همراه خبره‌ترین کماندوها و چریک‌های عرب گذراند.

شهید چمران در لبنان هم ایجاد پایگاه‌های آموزش نظامی را ادامه داد و به همراه امام موسی‌صدر، مقاومت علیه اسرائیل را تحت عنوان «جنبش امل» بنیان گذاشت که در واقع زمینه‌ها و ریشه‌های حزب‌الله امروز لبنان محسوب می‌شود. حماسه‌هایی که چمران و جنبش مقاومت شیعیان لبنان علیه نیروهای اشغالگر صهیونیستی خلق کردند، در برگ‌برگ خاطرات و تاریخ مردم این کشور و تاریخ مبارزات آزادی‌خواهان جهان باقی‌مانده است.

او که در واپسین روزهای مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی به عشق امام و پیوستن به امواج خروشان ملت، عازم ایران شده بود در دل‌نوشته‌ای اظهار داشت: «من از جبل‌عامل آمده‌ام، سرزمینی که ابوذر غفاری، صدیق پیامبر بزرگ برای اولین‌بار اسلام راستین را به مردم آن منطقه تبلیغ کرد و مسجدی برای عبادت خدا بنا نمود... من از جبل‌عامل آمده‌ام که در دوران ۱۴۰۰ ساله تاریخ اسلام همیشه مظلوم بوده است... من نماینده محرومین و مستضعفان جنوب لبنان هستم که همه‌روزه زیر آتش توپخانه سنگین و بمب‌های هواپیماهای اسرائیل می‌سوزند... من آمده‌ام که فریاد ضجه‌آلود شیعیان لبنان را در زیر آسمان بلند ایران طنین‌انداز کنم...»[1]

یک مقاومت شگفت‌انگیز و غریب

دکتر مصطفی چمران در کردستان نیز از همان تجربیات مبارزه‌اش با اسرائیل در لبنان بهره گرفت، چراکه در این‌جا نیز با نیروهایی دیگر از اسرائیل مواجه بود. او علی‌رغم اینکه می‌توانست در تهران عملیات را هدایت کند اما خود و تعداد اندکی از یارانش به قلب آتش زدند و وارد حلقه محاصره شدند. این در شرایطی بود که ضدانقلابیون به اصطلاح دموکرات و کومله و... به بیمارستان‌ها هم رحم نکرده و بیماران و مجروحین و مصدومین را از روی تخت‌های بیمارستان بیرون کشیده و حتی با موزاییک سر بریدند.

نبرد انقلاب و ضدانقلاب در شهر پاوه متمرکز شده بود و گویی همه این جنگ به پیروزی و شکست در پاوه بستگی داشت. دکتر مصطفی چمران و تیمسار فلاحی (فرمانده نیروی زمینی ارتش) وقتی به پاوه رسیدند که شهر در آستانه سقوط قرار داشت. بالگرد آنها در حالی که از هر طرف بر آن گلوله می‌بارید، بر زمین نشست. شهر تقریباً در اختیار ضدانقلاب بود و تنها پایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی اصغر وصالی مقاومت می‌کرد، در حالی که از ۶۰ پاسدار آن، فقط ۱۶ نفر باقی مانده و ۶-۷ نفر آنها هم مجروح شده و بقیه خسته از مقابله‌ای نابرابر و ناجوانمردانه یک‌هفته‌ای، دل‌شکسته و گرسنه و زخمی در سخت‌ترین شرایط همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دادند و اینک حضور دکتر چمران برایشان قوت قلب و نقطه اتکای محکمی بود.

دکتر چمران در تمام آن سال‌هایی که در لبنان و همراه مردم در کنار فلسطینی‌ها علیه اسرائیل جنگیده بود، چنین صحنه‌های غریبی را تجربه نکرده بود. شب سختی را با عده قلیلی پاسدار مجروح و خسته و همچنین مردم آواره و پناهنده به پایگاه سپاه پاوه به صبح رساند. در تمام طول شب، محاصره هزاران فرد مسلح، هر لحظه احتمال یورش و قلع‌وقمع را می‌داد. حدود ساعت ۴ صبح، عوامل حزب منحله دموکرات با بلندگو در داخل شهر می‌چرخیدند و فریاد می‌زدند: «... هرکس وفاداری خود را به حزب دموکرات اعلام کند، در امن و امان است. ما فقط آمده‌ایم که پاسداران و دکتر چمران را سر ببریم...»[2] مقاومت شگفت‌انگیز دکتر چمران و اصغر وصالی و یاران‌شان در برابر ارتشی از ضدانقلاب، یکی از ماندگارترین حماسه‌های تاریخ ایران را رقم زد. ضدانقلابیون از همه سوی، پایگاه سپاه را محاصره کرده و آن را هدف انواع و اقسام گلوله‌ها و خمپاره‌ها و آرپی‌جی قرار داده بودند. در زیرزمین آن پایگاه تنها دو سه تن از یاران دکتر چمران باقی مانده بود که برای پناه گروهی از زنان و کودکان و مجروحین، سنگربندی کرده بودند و در بیرون تنها اصغر وصالی و یکی دو تن از پاسدارانش بودند که همچنان می‌جنگیدند و دکتر چمران در حالی که آخرین گلوله‌هایش را شلیک می‌کرد، بر بام پایگاه ناظر این نبرد نابرابر و مقاومت شگفت‌انگیز بود.

عصای موسی باز هم فرعونیان را غرق کرد

اما در آن دقایق و لحظات اتفاق شگفت‌انگیزی افتاد که همه اوضاع را دگرگون کرد. همه صداهای شلیک و انفجار قطع شد. هیچ صدایی از ادامه جنگ و نبرد و حتی مقاومت به گوش نمی‌رسید. ناگهان صداهای الله‌اکبر به گوش رسید. حضرت امام عصای موسوی‌اش را بلند کرده و آن اطلاعیه تاریخی را صادر نموده بودند:

«... من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان‌های ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظارِ دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند و به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کنند...»

به این ترتیب همه موش‌های ضدانقلاب به سوراخ‌هایشان خزیدند یا فرار کرده و یا تسلیم شدند و کردستان پس از ۶ ماه آشوب و جنگ و محاصره و تاخت‌وتاز گروهک‌های ضدانقلاب و وابسته به اسرائیل به یک آرامش نسبی رسید.

خود شهید چمران آن لحظات و صحنه را چنین توضیح داده است:

«... صبح روز ۱۳۵۸/۵/۲۷ بر بالای دیوار خانه پاسداران ایستاده بودیم و به شهر می‌نگریستیم و گلوله از هر طرف همچنان می‌بارید. یک‌باره فریاد الله‌اکبر پاسداران به هوا بلند شد، پرسیدم مگر چه شده است؟ گفتند امام خمینی اعلامیه‌ای صادر کرده است... اعلامیه‌ای تاریخی که اساس بزرگ‌ترین تحولات انقلابی کشور ما به‌شمار می‌رود. اعلامیه‌ای که سرنوشت کردستان و ایران را دگرگون کرد. انقلابی‌ترین اعلامیه‌ای که از بزرگ‌مردی هشتادساله، بدون آنکه دروس نظامی خوانده باشد و استراتژی نبرد را بداند و یا در تاکتیک‌های نظامی تجربه داشته باشد، صادر شده است. امام خمینی فرماندهی کل قوا را به دست می‌گیرد و فرمان می‌دهد که ارتش باید در عرض بیست‌وچهار ساعت خود را به پاوه برساند و ضدانقلاب را قلع و قمع کند...»[3]

برای دکتر چمران باورکردنی نبود غائله‌ای که با همه آن تعامل‌ها و مذاکرات و مقاومت‌ها و ایثارگری‌ها، نتوانست به نقطه مطلوب برسد، چگونه با یک پیام و یک فرمان از صدها کیلومتر آن‌سوتر، کارش تمام شد. پیامی از جنس همان پیام‌هایی که طومار رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در هم پیچید.

فرمانی که به کوه‌ها لرزه انداخت

دکتر چمران این واقعه تاریخی را «معجزه» خواند و در بخشی از پیامش به همین مناسبت با دستخط خود نوشت:

«... معجزه‌ای رخ داد، آنچنان کوبنده و زیر و روکننده که برای هیچ‌کس قابل تصور نبود، همان‌گونه که چند ماه پیش یک چنین معجزه عجیبی به وقوع پیوست و انقلاب پرافتخار ایران را پیروز کرد. فرمان امام صادر شد، به کوه‌ها و دره‌ها و دشت‌ها لرزه انداخت، پاسداران از جان گذشته با فریاد الله‌اکبر می‌خروشیدند و زمین و زمان و آسمان لبیک می‌گفتند، چه معجزه‌ای که فقط از مردان برانگیخته خدا میسر است و بس... فقط یک قدرت روحی بزرگ در یک اَبَرمرد تاریخ قادر است چنین معجزه‌ای کند...»[4]

می‌توان گفت در واقع همه تحولات و تغییرات روحی و فکری شهید چمران در طول حدود ۳۰ سال؛ از مرداد ۱۳۳۲ و فعالیت در نهضت مقاومت ملی و بعد از آن، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و سپس دوران زندگی در آمریکا و ناسا و شرکت بِل و سپس مهاجرت به لبنان و حضور در بنیانگذاری جنبش امل در کنار امام موسی‌صدر و بعد از آن پیروزی انقلاب اسلامی، حضور در ایران و دولت بازرگان و... و گذر از همه آن مراحل، او را در این لحظه به اوج بصیرت و درک حقیقت رساند و از این‌جا بود که او چمرانِ امام خمینی شد.

بعد از آن، دکتر چمران وزیر دفاع شد و سپس حضرت امام ایشان را در کنار آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان نماینده خویش در شورای عالی دفاع منصوب کردند، که همین ارتباط باعث شد با شروع جنگ تحمیلی، دکتر چمران و آیت‌الله خامنه‌ای ستاد جنگ‌های نامنظم را تأسیس نموده که تا زمان شهادت چمران در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در دهلاویه ادامه یافت.

شهید چمران در طی این ۳۰ سال، همواره انسانی بی‌قرار و در حال تغییر و تحول و یا بهتر بگوییم در حال شدن بود تا آن زمان که در پاوه به چشم خود دید و با تمام پوست و گوشت خود، تأثیر شگرف فرمان ولایت را حس کرد که چگونه همه کید و مکر دشمنان را با خیل ساز و برگ نظامی‌شان و انبوه افرادشان، همچون موم در برابر نور خورشید آب کرد.

۱- لبنان- شهید دکتر مصطفی چمران- بنیاد شهید چمران- چاپ هفتم- ۱۳۸۹- صفحه ۱۶ تا ۱۹
۲- کردستان- شهید دکتر مصطفی چمران-صفحه ۷۹
۳- همان- صفحه ۸۱
۴- همان- صفحه ۸۳

اعلام شکست اسرائیل با ورود مستقیم ترامپ به جنگ

پایگاه‌ها و نظامیان آمریکایی اهداف اولیه موشک‌های ایران

سرویس سیاسی-

در حالی‌که صدای شکست از تل‌آویو بلند شده و نتانیاهو در کابینه جنگی‌اش تنها با فریاد زنده مانده، رئیس‌جمهور دیوانه آمریکا، دونالد ترامپ، سرانجام چهره واقعی و دستان خون‌آلودش را بر همگان عیان ساخت. مردی که در کارزار انتخاباتی‌اش با وعده جلوگیری از «جنگ جهانی سوم» رویای بازگشت به قدرت را داشت، حالا با پشت‌پا زدن به همه شعارهایش، برای بقای رژیم پوسیده و جعلی صهیونیستی، دروازه‌های جهنم را به روی ارتش ایالات متحده باز کرد.

بامداد یک‌شنبه ۱ تیر، ترامپ در یادداشتی در شبکه اجتماعی «تروت سوشال» اعلام کرد که بمب‌افکن‌های آمریکایی به سایت‌های هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان حمله کرده‌اند. اقدامی که نه تنها آغاز یک جنگ تمام‌عیار با ایران خواهد بود، بلکه آینده آمریکا را به آتش خواهد کشید. ساعاتی بعد، رسانه‌های آمریکایی از شلیک چند ده موشک تاماهاک به نطنز و اصفهان و حمله ۶ فروند B-۲ به سایت فردو خبر دادند.

اما برخلاف لاف‌زنی ترامپ، واقعیت صحنه چیز دیگری است. ظرفیت کلیدی هسته‌ای ایران آسیب جدی ندیده و سایت زیرزمینی و مستحکم فردو، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، ضربه‌ای مؤثر از بمب‌های آمریکایی نخورده است. موشک‌ها در برابر مهندسی مقاوم ایرانی کم آوردند، و جغرافیای پدافندی ایران، مثل کوه ایستاد.

روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی مفصل، اقدام ترامپ را تکرار اشتباه مرگبار جورج بوش پسر در حمله به عراق دانست. این رسانه عنوان کرد که ترامپ با پیوستن مستقیم به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، مذاکرات بالقوه دیپلماتیک را قربانی قمار سیاسی خود کرده و آمریکا را وارد باتلاقی جدید و پرهزینه در خاورمیانه نموده است.

در این گزارش آمده: «جنگی دیگر، خیانتی بزرگ به میلیون‌ها آمریکایی طبقه کارگر است که به ترامپ رأی دادند تا وضعیت اقتصادی‌شان بهبود یابد.»

به‌رغم امید به عملیات یک‌باره و ضربتی، واشنگتن‌پست تصریح کرد که تأسیسات ایران به‌راحتی از کار نمی‌افتند. فردو زیر کوه ساخته شده، و بدون بازرسی زمینی نمی‌توان میزان خسارت را تخمین زد. این یعنی ترامپ هنوز در توهم پیروزی سریع است، همان توهمی که بوش پسر را در باتلاق عراق دفن کرد.

در ادامه این گزارش هشدار داده شده: «ایران می‌تواند تنگه هرمز را ببندد، منافع حیاتی آمریکا در منطقه را با موشک‌های نقطه‌زن نابود کند، در نهایت، این وضعیت می‌تواند به معنای آن باشد که نسل دیگری از نظامیان آمریکایی زندگی خود را صرف جنگ‌های غیرضروری کنند.»

دیوانه‌ای در کاخ سفید؛ خشم در کنگره هدف در خلیج‌فارس

همزمان با انتشار خبر حمله، اعتراض‌های گسترده در کنگره آمریکا به راه افتاده است. نمایندگان مجلس نمایندگان و سناتورهای سنای آمریکا، ترامپ را به‌خاطر آغاز جنگی بدون مجوز کنگره توبیخ کرده‌اند. آن‌ها هشدار می‌دهند که ترامپ با اقدامات خود، قانون اساسی آمریکا را زیر پا گذاشته و کشور را به آتش کشیده است.

اما دیگر کار از اعتراض گذشته. موشک‌های ایران اکنون به‌سوی پایگاه‌های آمریکایی در منطقه نشانه رفته‌اند. سربازان آمریکایی، تاوان دیوانگی ترامپ را با جان خود خواهند داد و اقتصاد درمانده آمریکا، فریاد مالیات‌دهندگانی را خواهد شنید که از این پس باید خرج بمب‌های یک جنگ بی‌نتیجه را بدهند.

ترامپ قمار کرد؛ حالا باید هزینه بدهد. هر سرباز کشته‌شده، هر نفتکشی که از حرکت بایستد، و هر آتش‌سوزی در پایگاه‌های آمریکا در عراق، سوریه، بحرین و کویت، یادآور این واقعیت خواهد بود که هیچ عقل سلیمی، برای رضایت نتانیاهو وارد جنگ با ایران نمی‌شود.

وقتی یک تاجر ورشکسته و ماجراجو، بدون درک ژئوپلیتیک، با توهم نجات اسرائیل وارد اتاق فرماندهی پنتاگون می‌شود، نتیجه‌اش دقیقاً همین است: خشم در واشنگتن، و جنگ در خلیج‌فارس.

دونالد ترامپ، که خود را «منجی آمریکا» می‌خوانَد، حالا با اقدامی عجیب و بی‌پروایانه، دستور حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را صادر کرده و به‌زعم خود، «برگ برنده‌ای» در دست گرفته است. اما آنچه در واقع رقم زده، آغاز ویتنام و عراق و افغانستان دیگری در منطقه غرب آسیا است.

ترامپ نه اجازه‌ای از کنگره گرفت، نه با نظامیان ارشد مشورت کرد. تنها با مشاوره افسران موساد و پدرخوانده‌های آیپک، جنگی را آغاز کرد که نه در اختیار خودش و نه در کنترل ژنرال‌های آمریکایی خواهد بود.

کنگره: این جنگ ما نیست!

پس از حمله، واکنش‌ها در کنگره و محافل سیاسی آمریکا فوران کرد. سناتورهای دموکرات و حتی برخی جمهوری‌خواهان، اقدام ترامپ را «جنون‌آمیز» و «فاقد مشروعیت قانونی» دانستند.

«سین کاستن» قانون‌گذار آمریکایی در پی اقدام متجاوزانه «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور این کشور با صدور فرمان حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران در پی تجاوزگری رژیم صهیونیستی به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران گفت: این موضوع ربطی به کیفیت برنامه هسته‌ای ایران ندارد. هیچ رئیس‌جمهوری بدون تایید کنگره اختیار بمباران کشوری دیگر را ندارد که تهدیدی قریب‌الوقوع علیه آمریکا ایجاد نمی‌کند. این تجاوز آشکاری است که امکان استیضاح را فراهم می‌کند.

این در حالی است که «کریس مورفی» نماینده دموکرات مجلس سنای آمریکا که جزو حاضران در نشست توجیهی دولت آمریکا درباره ایران بود، در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد که رئیس‌جمهور آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران دروغ می‌گوید.

«رشیده طالب» عضو دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا پس از تجاوز وحشیانه ایالات متحده به تاسیسات هسته‌ای ایران تاکید کرد: کشور ما به جنگ معتاد است. تصمیم رئیس‌جمهور ترامپ برای اعزام نیروهای آمریکایی به منظور بمباران ایران، بدون موافقت کنگره نقض آشکار قانون اساسی ماست.

«الکساندریا اوکازیو کورتز» عضو دموکرات کنگره آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر) نوشت: «تصمیم فاجعه‌آمیز دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در بمباران تاسیسات هسته‌ای ایران بدون تاییدیه کنگره نقض جدی قانون اساسی ایالات متحده و اختیارات جنگ کنگره است.»

انگل صهیونیستی، سرطان خزنده آمریکا

سؤال روشن است: چرا مالیات‌دهنده آمریکایی باید هزینه جنگی را بپردازد که برای امنیت آمریکا نیست، بلکه صرفاً برای بقا و امنیت رژیم صهیونیستی است؟ رژیمی که نه‌تنها هیچ دستاوردی برای آمریکا نداشته، بلکه همچون انگلی به شیره جان اقتصاد این کشور آویزان شده است. سرمایه‌داری آمریکا چگونه می‌تواند حمایت بی‌چون‌وچرا از این رژیم فاسد و غاصب را توجیه کند؟

حمایت از اسرائیل، اکنون نه سیاست، بلکه خودکشی ژئوپلیتیکی آمریکا است.

از تل‌آویو فرمان می‌گیرند در واشنگتن هزینه می‌دهند!

وقتی تاریخ معاصر آمریکا را ورق بزنیم، در همه فجایع خونین غرب آسیا، ردّپای یک رژیم پیدا می‌شود؛ رژیمی جعلی، متجاوز، و انگلی که نه‌تنها در قلب جهان اسلام کاشته شد، بلکه ریشه‌هایش در عمق ساختار قدرت آمریکا نیز دوانده شده است.

صهیونیسم بین‌الملل امروز دیگر یک نظریه توطئه نیست، بلکه یک واقعیت تلخ و مستند است که حتی رسانه‌های مستقل آمریکایی از بیان آن ابایی ندارند: اسرائیل در سیاست خارجی واشنگتن، نقش یک تصمیم‌گیر پنهان را ایفا می‌کند، بدون آنکه هزینه‌ای بپردازد.

چه کسی واقعاً تصمیم گرفت که آمریکا به جنگ مستقیم با ایران کشیده شود؟ آیا پنتاگون خواهان آغاز یک جنگ جهانی بود؟ آیا مردم آمریکا خواهان قربانی کردن جان فرزندانشان برای «امنیت تل‌آویو» بودند؟ پاسخ روشن است: هیچ‌کدام!

تنها یک محور پشت پرده این جنگ را هل داد: لابی صهیونیستی – از آیپک گرفته تا موساد – که دیوانه‌ای مثل ترامپ را وادار کرد با فشار داخلی، چک سفید امضا برای نجات اسرائیل صادر کند.

آمریکا در ظاهر یک ابرقدرت است، اما در عمل، وام‌داری است در خدمت منافع یک اقلیت پرنفوذ و تمامیت‌خواه. در سنا، در کاخ سفید، در رسانه‌ها، در وال‌استریت، و حتی در هالیوود، ردپای شبکه‌ای خزنده از صهیونیست‌ها، تصمیم‌سازی‌ها را به سود رژیم کودک‌کش اسرائیل منحرف کرده است.

لابی صهیونیستی چنان بافت قدرت آمریکا را آلوده کرده که هیچ رئیس‌جمهوری بدون جلب رضایت لابی‌ها و فرقه‌های مختلف همچون آیپک و اوانجلیست‌ها نمی‌تواند در انتخابات باقی بماند. بایدن در ماجرای جنگ غزه ۲۰۲۳، علی‌رغم هشدارها، مجبور شد میلیاردها دلار کمک تسلیحاتی به اسرائیل بدهد. و حالا ترامپ، با فشار مالی و اطلاعاتی صهیونیست‌ها، آشکارا دستور جنگ داده است.

تاریخ قضاوت خواهد کرد: چرا آمریکا برای اسرائیل جان داد؟

در هیچ معادله عاقلانه‌ای، آمریکا نباید وارد جنگ مستقیم با ایران می‌شد. اقتصاد رو به زوال، شکاف اجتماعی عمیق، بدهی تاریخی، و بحران در اعتماد عمومی، همه نشانه‌هایی از زوال درونی این ابرقدرت هستند. اما تصمیم‌سازان واقعی در آیپک و شبکه‌های صهیونیستی، بقای اسرائیل را بالاتر از بقای آمریکا می‌دانند و حاضرند کشوری را با ۳۳۰ میلیون جمعیت، برای حفظ رژیمی ۹میلیونی قربانی کنند.

آیا کسی در واشنگتن جرأت دارد بپرسد: «چرا باید جوانان آمریکایی در خلیج‌فارس کشته شوند تا اسرائیل چند روز بیشتر دوام بیاورد؟»

نتیجه: شکست صهیونیسم، آغاز رهایی آمریکاست. دشمن اصلی ملت آمریکا نه چین است، نه روسیه و نه ایران؛ بلکه انگل مزمنی است که در قلب دولت فدرال جا خوش کرده و خون سرمایه‌گذاران، نظامیان و سیاستمداران را می‌مکد تا رژیم جعلی اسرائیل چند صباحی بیشتر نفس بکشد.

ایران، نه فقط علیه اشغالگران بیت‌المقدس، که علیه انگل جهانی صهیونیسم ایستاده است. این ایستادگی، نه فقط دفاع از جهان اسلام، بلکه دفاع از آینده بشریت است.

و روزی خواهد آمد که ملت آمریکا نیز، بفهمند دشمن حقیقی‌شان نه در تهران، بلکه در تل‌آویو لانه کرده است.

خلیج‌فارس، تله آتش برای سرباز آمریکایی

ایران هیچ‌گاه اهل اقدام نسنجیده نبوده است. اما وقتی به خاکش تجاوز شود، پاسخ ایران نه‌تنها قطعی، بلکه مرگبار است. اکنون که پایگاه‌های آمریکایی در قطر، بحرین، عراق، کویت و امارات به عنوان بازوی اجرائی این حمله معرفی شده‌اند، واکنش ایران به‌زودی در خلیج‌فارس و سرتاسر غرب آسیا آغاز خواهد شد.

هر سرباز آمریکایی که امشب در پایگاهی در منطقه می‌خوابد، باید بداند که فردا ممکن است هدف یک موشک با مختصات دقیق قرار بگیرد.

دیوانه‌ای که شلیک کرد؛ ملتی که تاوان می‌دهد

ترامپ شاید فکر کند با یک حمله محدود، می‌تواند در رسانه‌ها خود را قدرتمند جلوه دهد. اما تاریخ نشان داده که ایران، سکوت نمی‌کند و ضربه می‌زند. ضربه‌ای که نه‌تنها توازن نظامی منطقه را تغییر خواهد داد، بلکه ممکن است تابوت‌های آمریکایی را روانه خاکی کند که هنوز داغ افغانستان و عراق از آن پاک نشده است.

ترامپ خیال کرد با چند بمب، می‌تواند حریف مردانی شود که در دفاع مقدس، در سوریه، در عراق، و در نبرد نابرابر با داعش، حماسه آفریدند. اما او فراموش کرده که جنگ با ایران، یعنی جنگ با ملتی که به شهادت افتخار می‌کند، نه تسلیم. پایگاه‌های نظامی آمریکا و ادوات نظامی آنان در منطقه، از لحظه صدور فرمان حمله، به سیبل موشک‌های نقطه‌زن ایرانی تبدیل شده‌اند. ایران، حتماً پاسخ می‌دهد. و پاسخ ایران، دقیق، گسترده، و پرهزینه خواهد بود. اکنون و پس از قمار جنون‌آمیز ترامپ بر سر امنیت و ثبات منطقه، دیگر تردیدی نیست که روزهای آینده برای آمریکا پرهزینه، تلخ و پر از وحشت خواهد بود. دستور حمله به ایران، پایان یک تصمیم نیست؛ آغاز یک انتقام است. انتقامی که از خاک منطقه و در میدان‌های نبرد واقعی رقم خواهد خورد.

موشک‌های ایران آماده‌اند؛ پایگاه‌های آمریکا در منطقه هدف گرفته شده‌اند؛ و شمارش معکوس آغاز شده است.

وقتی ترامپ بی‌آنکه حتی افکار عمومی ملت خود را در نظر بگیرد، در تبانی با صهیونیست‌ها، تصمیم گرفت وارد تقابل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران شود، خود را وارد میدان جنگی کرد که نه توان مدیریت آن را دارد، نه توان خروج از آن را. و اکنون، باید تاوان این دیوانگی را بدهد. اما نه او؛ بلکه سربازان آمریکایی، و مالیات‌دهندگان آمریکایی‌اند که هزینه واقعی را خواهند پرداخت.

هیچ کشوری نمی‌تواند با ایران بجنگد و از تنگه هرمز در امان بماند. این حقیقت را حتی ژنرال‌های بازنشسته پنتاگون هم می‌دانند. ایران بارها هشدار داده بود: «امنیت خلیج‌فارس، یا برای همه است، یا برای هیچ‌کس نیست.»

اکنون با عبور آمریکا از خط قرمز، تنگه هرمز نه یک مسیر تجاری، بلکه یک میدان نبرد خواهد بود. و اگر این تنگه بسته شود یا ناامن گردد، اقتصاد رو به افول آمریکا به ورطه سقوط کامل خواهد رفت. قیمت نفت به‌شکل جهشی بالا خواهد رفت، بورس آمریکا سقوط خواهد کرد و کاخ سفید برای خرید یک قطره نفت باید التماس کند.

و اما سخن آخر با همان مردمی است که روزی به ترامپ رأی دادند. آنان که فریب شعارهای پوپولیستی و وعده‌های دروغین «بازگرداندن عظمت آمریکا» را خوردند، باید بدانند: عظمت با جنگ به‌دست نمی‌آید؛ اما با جنگ، کشورها به نابودی کشیده می‌شوند.

آنان که به ترامپ رأی دادند، حالا باید تاوان دیوانگی او را با جان سربازان ارتش آمریکا، و با هدررفت مالیات‌هایشان در جنگی بی‌حاصل فقط برای حمایت از انگلی همچون رژیم اسرائیل بپردازند.

پزشکیان:

حمله به تأسیسات هسته‌ای نشان داد آمریکا عامل اصلی اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه ایران است

رئیس‌جمهور با اشاره به حمله یکشنبه شب آمریکا به برخی تأسیسات هسته‌ای کشور، این اقدام را شدیداً محکوم و تصریح کرد: این تجاوز نشان داد که آمریکا، عامل اصلی اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت ضمن قدردانی از هماهنگی، هم‌افزایی و تلاش خستگی‌ناپذیر دستگاه‌های اجرائی کشور برای تداوم بی‌وقفه خدمات‌رسانی به مردم شریف ایران در شرایط حساس کنونی، بر واگذاری اختیارات لازم به وزرا، استانداران و مدیران تأکید کرد تا آنان بتوانند با ذهنی باز و دستانی گشوده، امور کشور را با کارآمدی و ابتکار بیشتری پیش ببرند.

وی در توصیه‌ای به مدیران اجرائی کشور، بر لزوم مدیریت صحیح منابع، صرفه‌جویی هدفمند و آینده‌نگری در تصمیم‌گیری‌ها تأکید کرد و افزود: در شرایطی که دشمنان تصور می‌کردند با انجام حملات و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی و دانشمندان کشور، جمهوری اسلامی ایران دچار اختلال خواهد شد، با درایت مقام معظم رهبری و توانمندی نیروهای جانشین، در کوتاه‌ترین زمان ممکن پاسخ قاطع و بازدارنده‌ای به دشمن متجاوز داده شد. این رویکرد و روحیه باید در تمام دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها نیز نهادینه شود تا هیچ مشکلی مانع تداوم خدمت‌رسانی به مردم نگردد.

رئیس‌جمهور با تأکید بر لزوم میدان‌داری مدیران در استان‌ها اظهار داشت: در شرایط بحرانی، خلاقیت، ابتکار و جسارت مدیریتی از سوی مسئولان استانی می‌تواند مشکلات را حل کند و بحران‌ها را در سریع‌ترین زمان ممکن مرتفع کند.

پزشکیان اقدام رژیم صهیونیستی در تجاوز به کشورمان به‌رغم ایجاد مشکلات و شهادت جمعی از فرماندهان، دانشمندان و مردم عزیز کشورمان افزود: اکنون زمان کنار گذاشتن اختلافات و فعال‌سازی ظرفیت‌های عظیم مردمی است. ملت ایران بارها نشان داده‌اند که برای حفظ آب و خاک این سرزمین از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به حمله یکشنبه شب آمریکا به برخی تأسیسات هسته‌ای کشور، این اقدام را شدیداً محکوم و تصریح کرد: این تجاوز نشان داد که آمریکا، عامل اصلی اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران است. اگرچه ابتدا تلاش داشتند نقش خود را کتمان کنند، اما پس از پاسخ قاطع و بازدارنده نیروهای مسلح کشورمان و مشاهده ناتوانی آشکار رژیم صهیونیستی، ناگزیر خود به میدان آمدند.

رئیس‌جمهور تأکید کرد: حملات مقتدرانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به سرزمین‌های اشغالی، در حقیقت پاسخی به سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکاست؛ چراکه اساساً رژیم صهیونیستی در اندازه و موقعیتی نیست که به‌تنهائی توان و جرأت تعرض به جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد.

در پایان، پزشکیان با اشاره به تسریع روند ترخیص کالاها از بنادر کشور، بر لزوم نظارت دقیق و مستمر از سوی وزارت کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت جهاد کشاورزی تأکید کرد و گفت: مقصد و محل نگهداری کالاها باید به‌صورت شفاف مشخص باشد و استانداران نیز باید در جریان این امور قرار گیرند تا از هرگونه اختلال در نظام توزیع جلوگیری شود.

به تجاوز رژیم صهیونیستی پاسخ قاطع می‌دهیم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور شامگاه شنبه در پاسخ به تماس تلفنی «عبدالفتاح السیسی» رئیس‌جمهور مصر، ضمن قدردانی از مواضع محکم، قاطع و برادرانه وی و کشورش در رابطه با تهاجم رژیم صهیونیستی به کشورمان اظهار داشت: من از ابتدا به دنبال وفاق در داخل ایران و تعامل با جهان به خصوص کشورهای همسایه و اسلامی که اشتراکات زیادی با یکدیگر داریم بوده و همچنان هستم.

وی با اشاره به حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان در حین مذاکرات با آمریکا، افزود: اگر این تجاوز ادامه یابد، قاطعانه به آن پاسخ می‌دهیم.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه رژیم صهیونیستی به شدت در حال تلاش است تا هم پای آمریکا را به این جنگ بکشاند و هم ایران را در مقابل برادران خود در منطقه قرار دهد، تصریح کرد: البته اطمینان داریم که حمله رژیم صهیونیستی بدون اجازه آمریکا صورت نگرفته است، اما به شما و همه برادران خود در منطقه‌این اطمینان را می‌دهم که صهیونیست‌ها نمی‌توانند ما را مقابل یکدیگر قرار دهند.

پزشکیان با اشاره به اینکه ایران همواره اعلام کرده که به چارچوب‌های بین‌المللی در عرصه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای پایبند است، در واکنش به سخنان رئیس‌جمهور مصر درباره موضع ایران نسبت به نظارت کشورهایی که درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران ابراز نگرانی می‌کنند، از جمله آمریکا بر این فعالیت‌ها گفت: ایران قصد فعالیت هسته‌ای غیر صلح‌آمیز ندارد. در مذاکراتی که با آمریکایی‌ها داشتیم نیز این مباحث مطرح بود.

وی با بیان